

زنده باد شغل آکادمیک!

نگاهی انتقادی به شغل دانشگاهی و معنای آکادمیسین

الکس هوپ نویسنده در این یادداشت با اشاره به تغییر دیدگاه نسبت به شغل آکادمیک، طبقه‌بندی‌های این حوزه را مشخص کرده و اهداف شخصی که این زمینه‌ی کاری را انتخاب می‌کند به چالش می‌کشد. در ادامه با مطرح کردن کسانی که بدون داشتن مدرک یا صرفاً با سابقه‌ی کاری و فعالیت‌هایشان در این حوزه کار می‌کنند، بر کیفیت آکادمی تأکید می‌کند و خاطر نشان می‌کند که خارج از دانشگاه هم می‌توان فعالیت آکادمیک انجام داد.

من خواستم یک فرد آکادمیک باشم تا تفاوتی ایجاد کنم. نه این که صرفاً شغلی دست‌وپا کرده باشم. شغل آکادمیک مرده است. بالاخره من این را گفتم! طی چند سال گذشته تلاش کرده‌ام شغلی دانشگاهی به دست بیاورم که طی این روند به کلی از این که اصلاً چرا یک فرد آکادمیک شدم، غافل شدم. تصمیم گرفتم مجدداً این مسئله را بررسی کنم و به این امر توجه کنم که شغل آکادمیک واقعاً چیست. به این نتیجه رسیدم که مفهوم سنتی منقضی شده و به‌طور بالقوه با فلسفه‌ی آکادمی در تناقض است.

گمان می‌کنم بستر آکادمیک آینده به مؤسسات وابسته نخواهد بود. بلکه به مغز متفکر و هدایتگر اندیشه، و به آن مشاور و معلمی وابسته است که مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را بر مبنای قراردادهای آزاد بر عهده دارد. چنین جهانی مکان بهتری خواهد بود.

چرا من یک فرد آکادمیک هستم؟ سعی کرده‌ام پاسخ این پرسش و در واقع انگیزه‌ی خود را به خاطر بسپارم. احتمالاً دلیل اصلی این که من در دانشگاه مشغول به کار شدم، این بود که تصور می‌کردم می‌توانم تفاوتی ایجاد کنم. این که می‌توانم در عمل به پیشرفت (آکادمی) کمک کنم، الهام‌بخش نسل جدیدی از متخصصان باشم و موقعیت گسترش راه‌های تازه‌ای برای تفکر درباره‌ی بعضی مسائل کلیدی در رشته‌ی خودم را فراهم کنم. به نظر می‌رسد اخیراً این هدف را فراموش کرده‌ام، زیرا زمان کمتری را به تمرکز بر دریافت و انتقال نکته‌ها و پیام‌های اساسی اختصاص می‌دهم و بیشتر سعی در ارتقاء شغل آکادمیک دارم.



Edgar Degas
Portrait Of
Edmond Duranty

به راستی حرفه‌ی آکادمیک چیست؟

نظام کلی حول ایده‌ی سلسله مراتب و توالی کسانی که بیشترین کمک را به رشته‌ی خود، چه در پژوهش و چه در آموزش و مدیریت داشته‌اند، برنامه‌ریزی شده است. این توالی چنین است: دکترا، فوق دکترا، مدرس، استادیار، دانشیار، پروفسور و مدرس و پژوهشگر مستقل. اگرچه ممکن است این ترتیب در عمل متفاوت باشد، هیئت اروپایی دانشگاه‌های پژوهشی LERU نمودارهایی برای مشاغل حرفه‌ای در دیگر کشورهای اروپایی ترسیم کرده است؛ اما نکته اینجاست که مسیر سنتی مشاغل آکادمیک برای بعضی مدارک طولانی و در برخی رشته‌ها مدرک‌محور است. کسانی که متقاضی ادامه‌ی این مسیر هستند، بیشتر زمان‌شان را در استخدام یک موسسه‌ی آکادمیک صرف می‌کنند.

آیا پژوهشگران حقی بر شغل آکادمیک دارند؟

به نظر می‌رسد اغلب داوطلبان دکترا و پژوهشگران تازه‌کار مصرانه در جست‌وجوی شغل دانشگاهی هستند تا سال‌های تحصیل خود را اعتبار بخشند. بسیاری از یادداشت‌های وبلاگی و مقالات مطبوعاتی، درآمد پایین فرصت‌های شغلی دانشگاهی و جست‌وجوی دارندگان مدرک دکترا برای شغلی خارج از مؤسسات آکادمیک نقد می‌کنند، چنان‌که گویی حرفه‌ی آکادمیک ناکارآمد است.



من نمی‌گویم که این دیدگاه‌ها قابل توجیه نیستند، اما به نظر من ما باید کمی فراتر از چارچوب‌ها بیاندیشیم. با این همه، کمبود موقعیت رسمی شغل دانشگاهی معضل شناخته‌شده‌ای است. طبق گزارش گروه پژوهشی ویتای، تنها ۱۰ درصد از کارکنان پژوهشی به قرارداد دائمی دست می‌یابند.

در این میان، چه چیزی در انتظار همکارانی است که پیشینه‌ی پژوهشی ندارند، اما در عین حال سال‌هایتمادی را صرف کار علمی و عملی کرده و پیشرفت قابل توجه مهارت‌های فنی در صنایع را فراهم آورده اند؟ در حال حاضر، روند اداری چنین است که فقط دارندگان مدرک دکترای دانشگاهی استخدام می‌شوند یا کارکنان فعلی چه بخواهند و چه نخواهند، ملزم به دریافت مدرک دکترای می‌شوند و این امر مانع رسیدن به مشاغل دانشگاهی می‌شود. در جایی که تنوع دیدگاه و مدرک باید ارج نهاده شود، این یکسان‌سازی گزند نظام دانشگاهی است.

یک فرد دانشگاهی چه می‌کند؟

سرویس مشاغل دانشگاهی دانشگاه منجستتر این نکته را مطرح می‌کند که گاهی هدف اولیه‌ی یک فرد آکادمیک با کاری که دانشگاهیان به‌طور معمول متصور انجام آن هستند، در تناقض است.

شاید بهتر باشد از این که فرد آکادمیک کیست، یا چگونه باید باشد، ارزیابی داشته باشیم و این مفهوم را از شغل دانشگاهی جدا کنیم. بر اساس تعریف لغت‌نامه‌ی آکسفورد، از فرد آکادمیک به‌مثابه «شخصی که به‌عنوان مدرس یا محقق در دانشگاه یا دیگر مؤسسات آموزش عالی کار می‌کند» یاد می‌شود، که لزوماً مطابق با تعریف آکادمی نیست؛ «اندوخته‌ی فرهنگی دانش، گسترش و انتقال آن میان نسل‌ها و عاملان انتقال آن». هیچ اشاره‌ای به مؤسسات آموزش عالی نشده است. این دومین تعریف است که برای خود من جذاب‌تر است و ترجیح می‌دهم خودم را پیشکسوتی بدانم که در آکادمی مشغول به کار است و نه در یک نظام دانشگاهی. افراد آکادمیک لزوماً در دانشگاه مشغول به کار نیستند!

بر اساس تعریف من، افراد دانشگاهی اندیشمندان و مؤلفانی کاردان هستند. ما نویسندگان، سخنوران، مبتکران، معلمان و رهبرانی هستیم که می‌توانیم از طریق رسانه‌های بسیاری همچون نشریات، کتب، وبلاگ‌ها، سمینارها و سخنرانی‌ها، ویدئوها، پادکست‌ها و غیره، دانش و اندیشه را منتقل کنیم. امروزه دیگر اسلوب سنتی تدریس و ارتباطات دانشگاهی از اهمیت کمتری برخوردار است.

زنده باد شغل آکادمیک!

من با از بین رفتن شغل آکادمیک به شکل سنتی آن مشکلی ندارم. برعکس، از این موضوع استقبال می‌کنم. من مطمئن نیستم که آینده‌ی آن در گروهی مقام و جایگاه یک شغل استخدامی یا رسمی در مؤسسات آموزش عالی و یا سازمان‌های خصوصی و مشاوره و تألیف مستقل باشد. مشاغلی که در این بستر ایجاد می‌شود، آزادی اندیشه و فرصت‌های بیشتری برای عهده‌دار شدن کاری که به ارتقاء جامعه کمک می‌کند، فراهم می‌آورد تا این که به شهرت و اعتبار یک موسسه بپردازد و در نتیجه موجب درک صریح‌تری از مشکلات واقعی و عملی می‌گردد.

اما امنیت شغلی چه می‌شود؟ از آنجایی که نداشتن قرارداد تمام‌وقت دانشگاهی بر معیشت تأثیرگذار است، آیا قرارداد دائم به این معناست که شما می‌توانید سرمایه‌ای برای آینده بیاندوزید، صاحب خانه شوید یا تعطیلات را خارج از کشور بگذرانید؟ البته که یک قرارداد دائم، حداقل برای من، هیچ یک از اینها را به ارمغان نیاورده است. به‌زعم من، تنوع، شکل جدیدی از امنیت خواهد بود. در صورتی که شغلی را از دست بدهید، همچنان با در اختیار داشتن گزینه‌های بسیار، توانایی پرداخت قبض‌های خود را دارید!

پی‌گرفتن شغل دانشگاهی به شکل سنتی و منافعی که از آن انتظار می‌رود، ما را از اهداف اصلی آکادمیک دور کرده و مخل زندگی است. رؤیاهایتان را دنبال کنید و ایده‌هایتان را بپروانید! ■

مسیر سنتی مشاغل آکادمیک برای بعضی مدارک طولانی و در برخی رشته‌ها مدرک محو است. کسانی که متقاضی ادامه‌ی این مسیر هستند، بیشتر زمان‌شان را در استخدام یک موسسه‌ی آکادمیک صرف می‌کنند